

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم - 24 / خرداد / 1391

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم به برادران و خواهران عزیز؛ نمایندگان محترم و منتخبان ملت رشید و مؤمن ایران. تشکر میکنم از جناب آقای لاریجانی، به خاطر مطالب خوب و مفیدی که بیان کردند؛ هم در نگاه به تاریخچه‌ی دستگاه قانونگذاری و مجلس ملی در کشور و در تاریخ کوتاه ما، و هم در بیان آن چیزی که از مجلس شورای اسلامی توقع می‌رود. همین نکاتی که ایشان بیان کردند، نکات درستی است. و اگر ان شاء الله نمایندگان محترم مجلس - آنچنان که امید و رجاء واثق هم به این وجود دارد - در همین جایگاه، با استقلال، با آزادفکری، با رعایت مصالح کشور، با احساس شجاعت در مقابل دشمن، و با امید به آینده، حرکت‌های خودشان را برنامه‌ریزی کنند، تنظیم کنند، دنبال کنند، قطعاً کشور منتفع خواهد شد و در همین راه پیش خواهیم رفت.

يك نکته‌ی اساسی در اینجا وجود دارد که همه‌ی ما باید به آن توجه کنیم - بنده بیشتر از شما به توجه به این نکته احتیاج دارم؛ همه‌ی شما هم به اقتضای مسئولیت، احتیاج دارید - و آن، احساس تکلیف است؛ اخلاص نیت و عمل برای خداست. این اگر شد، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد، همه‌ی راه‌ها گشاده خواهد شد؛ این اگر شد، رحمت الهی و کمک الهی شامل حال خواهد شد؛ «ان تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» (۱) - همین آیاتی که الان تلاوت کردند - این اگر شد، توهّم غلطِ انهزام در مقابل دشمن و تسلط دشمن از بین خواهد رفت. توکل به خدا، ارتباط با خدا - که ناشی از این نیت خالص است - همه‌ی مشکلات را حل میکند. انقلاب هم همین جور پیروز شد. اگر امام بزرگوار ما - که حقیقتاً رهبر به تمام معنی‌الکلمه بود - این توکل را، این اخلاص را نداشت، قطعاً این انقلاب پیروز نمیشد. اگر مردمی که آمدند توی میدان، نخبگانی که مردم را کشاندند وسط میدان، این اخلاص را، این کار برای خدا را نمیداشتند، کار پیش نمیرفت. در دوران دفاع مقدس هم همین جور بود. فرمودند که عده‌ی زیادی از شماها در دوران دفاع مقدس بودید؛ خب، آنهایی که بودند، از نزدیک میدانند که چه بود و چگونه بود و چه خبر بود. راز اصلی این است: دنبال تکلیف باشیم، دنبال کسب رضای الهی باشیم. اگر با نگاه تاجران به زندگی نگاه کنیم، باز نتیجه همین است. بنده سالهای پیش مکرر میگفتم که شهادت در راه خدا، مرگ تاجران است؛ یعنی مرگ سودمحور است. واقعاً همین جور است. آن کسی که در راه خدا شهید نمیشود، این جانی را که به عاریت به ما سپرده‌اند، در راه خدا نمیدهد، بالاخره نمیتواند این را نگه دارد؛ خواهد داد؛ چه بهتر که این روغن ریخته، نذر امام‌زاده شود؛ چه بهتر که این امر ناگزیر - مرگ که يك حادثه‌ی ناگزیر برای ماست - وسیله‌ی سعادت ما بشود؛ وسیله‌ی برخورداری ما در زندگی واقعی، از لطف الهی. واقعاً شهادت، مرگ تاجران است.

عین همین قضیه در مورد تلاش‌های دنیائی ماست. اگر ما از پول بگذریم، از تمتعات و هوسهای بی‌مورد و حرام بگذریم، کار تاجران کرده‌ایم و سود برده‌ایم؛ چون خدای متعال به خاطر این گذشت، آنچنان پاداشی به ما خواهد داد که همه‌ی آنچه که ممکن بود در این تمتعات به دست بیاوریم، در مقابل آن، صفر و زیر صفر است؛ هیچ است. کار برای خدا اینجوری است. به نظر من این، اساس قضایای ماست.

شما در يك نظامی رکن اساسی واقع شدید - مجلس شورای اسلامی يك رکن اساسی است - که این نظام در وسط دنیای آشفته‌ی مادی سر برآورده و دارد ندای معنویت میدهد؛ مسیر حرکت دنیای مادی را تخطئه میکند. خب، طبیعی است که با دشمنی‌ها مواجه میشود. اینکه بعضی‌هی اشکال میکنند - گوشه کنایه، صریح - که آقا دنیا را با خودتان مقابل نکنید، به نظر من حرفی از سر نیندیشیدن است. شما وقتی که داعیه‌ی حکومت معنوی و دینی

دارید، وقتی میگوئید مردم سالاری دینی یا مردم سالاری اسلامی، این خودش اول دعواست. مشکل دنیا، مواجه شدن با دعوت دین است. دنیا که عرض میکنیم، مراد، همین دستگاه‌های اداره‌کننده‌ی دنیا است؛ اینها کسانی هستند که قوامشان، هویتشان بر اساس غارت انسانها، ضربه‌ی به انسانیت، ضربه‌ی به ارزشهای انسانی، برای تمتعات مادی است. فرعونهای تاریخ را شنیده‌اید، دیده‌اید. خب، فرعونهای تاریخ در مقابل ارزشهای انسانی قرار دارند؛ دنیا دست اینهاست. در مقابله‌ی با اینها، شما وقتی که یک دستگاه مدیریتی و حکومتی به وجود می‌آورید که داعیه‌ی آن عبارت است از گرایش به معنویت، دفاع از ارزشهای انسانی، دفاع از ارزشهای الهی - که روح و معنای ارزشهای انسانی هم همین است - طبیعی است که یک معارضه‌هایی دارد. خب، در راه این معارضه، باید به یک قدرتی متکی بود. این قدرت، قدرت سلاح مادی و بمب اتم و اینها نیست؛ این قدرت، یک قدرت معنوی است؛ اتکاء به خداست؛ این اساس قضیه است. من و شما - بنده بیشتر از شما - محتاجیم به این که نیتمان را، دلمان را، هدفمان را بیش از پیش خدائی کنیم. اگر این شد، مشکلات حل خواهد شد؛ اگر این شد، ما پیش خواهیم رفت؛ اگر این شد، دشمن از غلبه‌ی بر ما ناامید خواهد شد. محدودیتهای دشمن زیاد است؛ اینها بحثهای طولانی مفصلی دارد که جایش اینجا نیست، و شما هم بحمدالله همه از سطوح بالای فکر و اندیشه و سواد و علم برخوردارید؛ میتوانید مسائل را کاملاً بدانید و تحلیل کنید. واقع قضیه این است؛ اگر انسان در این نظام الهی توانست رابطه‌ی خودش با خدا را مستحکم کند، به هر نسبتی که در این راه پیش برویم، بلاشک در مقابله‌ی با دشمن، موفقیت‌هایمان زیاد خواهد شد؛ موانع برداشته خواهد شد؛ این را باید در نظر گرفت. البته در هر سیمتی، در هر کاری، در هر مأموریتی، یک اقتضائاتی وجود دارد؛ مجلس هم طبقاً اقتضائاتی دارد؛ در دولت که باشید، اقتضائات دیگری دارد؛ در دستگاه‌های گوناگون دیگر یا در خارج از دستگاه‌های حاکمیتی که باشید، اقتضائات دیگری وجود دارد. هدف باید این باشد: برای خدا کار کنیم. بسیاری از اشکالاتی که امروز به ما میگیرند - که خیلی‌اش هم بر ما وارد است - اگر چنانچه این نیت را، این جهتگیری را درست کردیم، این اشکالات به خودی خود برطرف خواهد شد.

در خصوص مجلس شورای اسلامی آنچه که من به عنوان جمع‌بندی میتوانم در دو جمله عرض بکنم، این است که مجلس بایستی هم زنده باشد، هم سالم باشد؛ این دو خصوصیت در مجلس لازم است.

زنده بودن مجلس به این است که نشاط و تحرك و حیویت از خود نشان بدهد. مجلس اگر راكد بود، خمود بود، خروجی درست و مناسبی در بخشهای مختلف نداشت، ناقص است. این نشانه‌ی حیات و دلیل حیات عبارت است از تحرك و نشاط. چگونه میشود این نشاط و تحرك را در بیرون عینیت بخشید؟ باید وظائف را درست انجام داد؛ قانون خوب. در ذیل این کلمه‌ی «قانون خوب»، ده تا، پانزده تا شاخص میشود معین کرد: به‌روز باشد، تکراری نباشد، معارض نداشته باشد، چه، چه، چه؛ اینها میشود قانون خوب. دوم: نظارت درست. دو وظیفه‌ی اصلی مجلس اینهاست دیگر؛ در درجه‌ی اول، قانونگذاری، و بلافاصله مسئله‌ی نظارت درست. نظارت درست را میشود ترجمه کرد. نظارت درست شاخصهائی دارد؛ این شاخصها را مشخص کنید. لازم نیست من این شاخصها را بگویم؛ خود شما میدانید؛ اینها جزو معارف روشن و واضح ماست. نظارتهائی که ناشی از نیتهای نادرست باشد، نظارت نادرست است. نظارتهای جانبدارانه و ضد جانبدارانه، هر دو، نظارتهای نادرست است. نظارتهائی که عمق‌یابی نمیکند، نادرست است. نظارت درست شاخصهائی دارد؛ اینها را باید مشخص کنید.

حضور مفید در محیط کار؛ این جزو علامت حیویت است. البته اینهائی که من عرض میکنم، توقعات از مجموعه‌ی مجلس است؛ منتها مجموعه‌ی مجلس، متکی به افراد است. شخص شما اگر چنانچه در وقت کار مجلس یا در صحن علنی مجلس یا در کمیسیون حضور نداشته باشید، درست است که شما میگوئید من یک دویست و نودم هستم، اما خود این تأثیر خواهد گذاشت؛ هم به قدر وزن شخصی شما، هم به عنوان تأثیر روی دیگران. یعنی شما که حضور پیدا نکردید، حضور پیدا نکردن در مجلس به همین اندازه آسان میشود؛ دیگری هم که تا حالا مقید بود حضور پیدا

کند، او هم حضور پیدا نمی‌کند. این از جمله‌ی گرفتاری‌های مجلس است؛ شما سعی کنید در مجلس نهم واقعاً این گرفتاری را برطرف کنید. پس حضور مفید در محیط کار، جزو علامت حیویت است.

حضور سیاسی در فضای کشور و جهان. مجلس یک صفحه‌ی نمایانی از انقلاب و از افکار عمومی مردم و از سیاست‌های کلان کشور است. قضایائی در منطقه پیش می‌آید، قضایائی در دنیا پیش می‌آید؛ مجلس باید مواضعش را روشن بیان کند. البته خوشبختانه مجالس اخیر در این زمینه فعال بودند، خوب بودند. امروز می‌بینید در منطقه غوغاست. آنچه که در خبرها و تظاهرات بیرونی خبرگزاری‌ها به راست یا دروغ منتشر میشود، یک جزء کوچکی از آن حادثه‌ای است که دارد در این منطقه اتفاق می‌افتد. این منطقه هم جزو مناطق عادی دنیا نیست؛ این منطقه، قلب دنیاست؛ منطقه‌ی مهم اتصال سه قاره با هم، منطقه‌ی مهم نفت، منطقه‌ی مهم سیاست استعماری غرب با وجود حکومت صهیونیستی. اینجا منطقه‌ی عجیبی است. قضایای این منطقه، قضایای دنیاست. اینجور نیست که بگوئیم حالا در فلان گوشه‌ی دنیا چهار تا کشور مثلاً مشکلی داشته باشند، شبیه آن باشد؛ نه، اینجا قلب دنیاست. خب، در اینجا قضایائی دارد اتفاق می‌افتد؛ موضع ما در مورد این قضایا چیست؟ اینها مسائل مهمی است. زنده بودن مجلس این است که در این قضایا حضور داشته باشید، حرف داشته باشید. این حرف، اثرگذار است. امروز موضع شما میتواند اثرگذاری کند در تک‌تک این کشورهایی که الان مورد نظر منند؛ همین کشورهای منطقه. اگر ما درست فکر کنیم، درست جملات و کلمات را انتخاب کنیم و در وقت مناسب و بهنگام اینها را ادا کنیم، این اصلاً اثر میگذارد روی این حرکت‌هایی که امروز از دو طرف در منطقه وجود دارد؛ چه از طرف دستگاه شیطان و مهاجم غربی، چه از طرف مردم که طرف حقند. بنابراین زنده بودن، اینهاست. یک مجلس زنده مجلسی است که بوقت، بهنگام و درست قانون میگذارد؛ نظارت میکند؛ در مسائل کشور، در مسائل منطقه حضور دارند و به کار پرداخته‌اند.

از این کمیسیونها نباید غفلت کرد؛ این کمیسیونها مهم است؛ اینها اتاقهای فکرند برای پخته کردن مسائل در صحن مجلس؛ بعد هم تصمیم‌گیری در صحن مجلس، یعنی تصمیم‌گیری برای سرنوشت کشور، نه فقط برای چهار سال. گاهی شما یک قانونی میگذارید، این قانون بیست سال در کشور اثرگذار است؛ یک خطی را معین میکند.

در کنار زنده بودن مجلس، مسئله‌ی سالم بودن هم مهم است؛ باید هم زنده باشد، هم سالم. سالم بودن هم از جهات مختلف است؛ سلامت سیاسی، سلامت اخلاقی، سلامت مالی؛ اینها مسائلی است که به یک یک دوستان عزیزمان، نمایندگان محترم ارتباط پیدا میکند. اگر چنانچه در مجلس گرایش پیدا شود - البته اینجور گرایشها قاعدتاً گرایشهای کوچک خواهد بود؛ گرایشهای عمومی و کلی نخواهد بود - که با بعضی از اصول انقلاب منافات داشته باشد، این عدم سلامت است. یا اگر چنانچه دغدغه‌ی وظیفه در مجلس گم شد، این عدم سلامت است. اگر چنانچه در مورد مسائل مالی بی‌مبالاتی حاکم شد - پول گرفتن، پول دادن، مرتبط شدن، واسطه شدن؛ از این حرفهایی که خیلی جاها هست - این عدم سلامت است؛ این چیز مهمی است. خرج‌تراشی‌های بیخود برای مجلس، عدم سلامت است. دیروز ما با جناب آقای لاریجانی در این زمینه مفصل صحبت کردیم. واقعاً باید یکی از کارهایی که مجلس میکند، این باشد: الگو بشوید برای دستگاه‌های مختلف دیگر در کم کردن هزینه‌ها؛ هزینه‌های سفرهای احياناً بی‌مورد، هزینه‌های گوناگون شخصی نمایندگان؛ که البته بخش مهمی از این کار، مربوط به هیئت رئیسه‌ی محترم مجلس است، که باید مراقبت کنند؛ و همچنین یکایک نمایندگان. البته من میدانم - هم اطلاع کلی دارم، هم اطلاع خاص دارم - که واقعاً در بین نمایندگان، کسانی که احتیاط میکنند و مراقبت میکنند، کم نیستند. افرادی هستند که واقعاً انسان در قلبش آنها را تحسین میکند و خوشحال میشود و خدا را شکر میکند که یک چنین افرادی در مجلس حضور دارند. بالاخره این قضیه مهم است.

من در یکی دو سال قبل از این، در همین دیدار نمایندگان محترم، راجع به خودنظارتی مجلس مطالبی گفتم؛ که

خب، قانونی هم تصویب شد. ببینید، همین آیه‌ای که اینجا تلاوت کردند: «و اتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة»، (۲) خیلی مهم است. ممکن است در يك ساختمان، آن کسی که بنزین میریزد و بی احتیاطی میکند و کبریت میکشد، يك نفر باشد؛ اما کسی که میسوزد، فقط آن يك نفر نیست. ممکن است يك نفر کشتی را سوراخ کند؛ اما کسی که غرق میشود، فقط آن يك نفر نیست. قرآن میگوید از يك چنین فتنه‌ای پرهیز کنید؛ که وقتی آمد، فقط دامن آن کسی را که موجب فتنه است، دامن آن کسی را که ظالم است، نمیگیرد؛ دامن بیگناه‌ها را هم نمیگیرد؛ دامن کسانی را هم که در ایجاد این فتنه تأثیر نداشته‌اند، نمیگیرد. «و اتقوا»؛ از يك چنین فتنه‌ای پرهیز کنید، مراقب باشید. لازمه‌ی این کار چیست؟ لازمه‌اش خودنظارتی است؛ یعنی بر یکدیگر نظارت کنیم؛ «و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»؛ (۳) دائم تواصی کنیم. اینها نشانه‌های سلامت است.

یکی از چیزهایی که در مجلس واقعاً نشانه‌ی سلامت است، پرهیز از تعرض به آبروی این و آن است. خب، يك منبری در اختیار شماست؛ این منبر، منبر عمومی است. شما وقتی حرف میزنید، پشت يك بلندگوی ملی دارید حرف میزنید؛ به گوش همه میرسد. اگر در این فرمایشاتی که شما در مجلس میفرمائید، مطلبی باشد که تعرض به آبروی کسی باشد، متهم کردن يك کسی باشد - ولو به نظر شما گناهکار است، لیکن گناهش ثابت نشده - یا تعرض به يك امری باشد که ولو اصلاً واقع هم باشد، وظیفه‌ی من و شما نیست به آن پردازیم؛ مثلاً مسائل خصوصی افراد. چرا باید در مجلس، در پشت بلندگوی مجلس، اسمی از این چیزها آورده شود؟ از اینها باید بشدت پرهیز کرد. اگر از اینها پرهیز شد، نشانه‌ی سلامت است.

من قبلاً به برخی از نمایندگان محترم این نکته را عرض کرده‌ام، حالا هم چون همه‌ی شما تشریف دارید، به شما هم میگویم: مجلس جای گفتگوی حکیمانه و خردمندانه است. شما يك حرفی میزنید، استدلالی دارید، استدلالتان را ذکر میکنید؛ بعد نفر بعدی می‌آید، میگوید به این دلیل، حرف ایشان غلط است، استدلالشان غلط است؛ بالاخره مجموعه هم یا به این رأی میدهد یا به آن رأی میدهد؛ این درست. اگر چنانچه وقتی شما دارید حرف میزنید، دیگری مثلاً شروع کند به دست زدن یا هیاهو کردن، برای اینکه صدای شما به گوش آن مستمع نرسد، این کار، کار حکیمانه است؟ کار خردمندانه است؟ این عادت باید در مجلس ریشه‌کن شود که وقتی يك نماینده‌ای دارد حرف میزند، یا يك وزیری، يك مسئول دولتی‌ای دارد حرف میزند، از يك گوشه‌ی مجلس چهار نفر شروع کنند يك صدائی در آوردن! این خیلی چیز بدی است. متأسفانه در مجلس هشتم این بود؛ من نمیدانم حالا در مجلس هفتم هم بود یا نه. من اولی که با این قضیه برخورد کردم، حیرت کردم: مگر چنین چیزی ممکن است؟ دیدیم بله، هم ممکن است، هم واقع است! در مجلس اتفاق افتاده. مجلس جای این حرفها نیست. بله، در اجتماعات عمومی، مردم عامی ممکن است از این کارها بکنند؛ یکی می‌آید حرف میزند، دیگری صدائی در می‌آورد. در تاریخ، همیشه هم از این کارها بوده. در قرآن هست که: «و هم ینهون عنه و ینئون عنه»؛ (۴) وقتی پیغمبر حرف میزد، يك عده‌ای نمیگذاشتند صدا به گوش دیگران برسد؛ هیاهو میکردند. اما این باب جمهوری اسلامی نیست؛ آن هم در مجلس شورای اسلامی. مجلس شورای اسلامی جای حرف است. طرف کاملاً حرفش را بزند، تمام کند؛ بعد اگر حرفش غلط است، غیرمنطقی است، جنابعالی وارد شوید، استدلال کنید، بگوئید خیر، این حرف آقا هیچ منطقی ندارد، هیچ مبنائی ندارد؛ ردش کنید. این کار اشکال ندارد.

بنده به استقلال مجلس خیلی اهمیت میدهم و معتقدم واقعاً مجلس مستقل یکی از نعم بزرگ است. بعضی تصور میکنند، بعضی هم این را هی توی رسانه‌ها مطرح میکنند؛ خیال میکنند مظهر استقلال از دولت، پریدن به دولت است. اینجوری نیست. بحث این دولت و آن دولت نیست؛ در همه‌ی دوره‌ها، توی این چند سال - میدانید دولتهای مختلفی بودند - بنده همیشه همین را تذکر دادم. استقلال از دولت معنایش این نیست که آدم باید دائم با دلیل و بی‌دلیل، هی بپرد به دولت؛ به این کارش، به آن کارش؛ کارهایی که اصلاً لزومی ندارد انسان اعتراض کند. خب، يك

قانونی بگذارید برخلاف آن جهتی که او دارد حرکت میکند. به هر حال اینها چیزهای لازمی است.

به نظر من امروز از جمله‌ی مسائل مهمی که ما در کشور به آن نیاز داریم، اتحاد است. اتحاد به معنای همسان بودن فکرها نیست. خب، الحمدالله شماها همه در سطوح بالای فکری و علمی هستید؛ اینها برای شما، گفتن ندارد. ما احتیاج داریم به این که به ما تذکر داده شود تا عمل کنیم؛ والا خیلی از چیزها را میدانیم. امروز باید اتحاد وجود داشته باشد. دوئیت و اختلاف و تفرقه، مظهر ضعف و انحطاط و انهزام يك ملت است؛ باید نگذارید این اتفاق بیفتد. اختلاف نظر هم وجود دارد، ابائی هم از گفتن اختلاف نظر نیست؛ بله، ما در این قضیه با هم اختلاف نظر داریم، اما دستان توی دست هم است. مثلاً او میگوید این کار باید بشود، من میگویم باید نشود. بالاخره يك مرجعی وجود دارد؛ یا مرجع، قانون است؛ یا مرجع، دستگاه قضائی است؛ یا مرجع، شورای نگهبان است - یا هرچه - آن مرجع هم تعیین تکلیف خواهد کرد؛ اما با هم دست‌به‌یقه نمیشویم. این اتحاد باید وجود داشته باشد. باید در جهت مصالح عالیه‌ی کشور، بین دستگاه‌ها همدلی وجود داشته باشد؛ این باید بروز کند. البته همه هم همین را میگویند. يك وقتی يك نفری با عصبانیت داشت از يك چیزی دفاع میکرد، يك نفر به او گفت آقا حالا چرا عصبانی میشوی؟ با همان عصبانیت داد کشید: من عصبانی نیستم! حالا از اطراف - از دو طرف هم نمیشود گفت - بعضی دائم دم از اتحاد هم میزنند، اما در عین حال باز نشانه‌ها و نمونه‌های تفرق گاهی دیده میشود. من خواهش میکنم به این مسئله توجه کنید؛ هم در درون مجلس بین خود دوستان که در مجلس هستید، هم در بین مجلس و قوای دیگر - قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه - این اتحاد و اتفاق را حفظ کنید و بدانید که این ملت، این کشور، این نظام، این جهتگیری، بشارت داده‌ی به توفیق و پیروزی است؛ این لطف خداست، سنتهای الهی این را اقتضاء میکند.

ملت، ملت خوبی‌اند؛ ملت مؤمنی‌اند؛ جوانهای ما جوانهای خوبی‌اند. ملت ما خوشبختانه همچنان يك ملت جوانی است؛ تفکر دینی و جهتگیری دینی و اسلامی هم بحمدالله محور اصلی حرکت کشور است. خب، نمایندگان مجلس، مسئولین کشور، دولتی‌ها، قضائی‌ها، از انسانهای معتقد به مبانی اسلام و انقلابند؛ این خیلی چیز مهمی است. مردم، معتقد؛ مسئولین، معتقد؛ ان‌شاءالله توفیق الهی شامل حال است و ما داریم پیش میرویم. در این دهه هم که دهه‌ی پیشرفت و عدالت است، به توفیق الهی، ان‌شاءالله، باذن‌الله، هم به پیشرفت محسوسی خواهیم رسید، هم در پایان این مدت ان‌شاءالله به يك رقم برجسته‌ی چشمگیری از عدالت دست خواهیم یافت.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

(۱) انفال: ۲۹

(۲) انفال: ۲۵

(۳) عصر: ۳

(۴) انعام: ۲۶